بسم الله الرحمن الرحیم نحمده و نصلی علی رسوله الکریم
خالق را حمد کہ از افادات کلام بلاغت نظام حضرت امیر المومنین و یعسوب الدین
سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم باہتمام خیر الامم ابو الحسنات قطب الدین احمد بار اول
مطبع منشی نولکشور واقع لکھنؤ

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

قُرِنَ الْمَلَاحَةُ طِينَةً

قرین شد ملاحت سرشت آنسرور را

وَالْحُسْنُ صَارَ قَرِيْنَهُ

وخوبی گشته است پیوسته آنسرور

صَلَّى عَلَيْهِ إِلٰهُنَا

درود بفرستد بروی خدای مایان

صَادَ الْقُلُوْبَ بِجَمَالِهِ

شکار کرده است دلها را خوبی آنسرور

شَاعَ الْآفَاقَ جَلَالُهُ

مشهور ست در جمیع عالم بزرگی آنسرور

صَلَّى عَلَيْهِ إِلٰهُنَا

درود بفرستد بروی خدای مایان

وَالْبَدْرُ يُنْقَصُ نُوْرُهُ

و ماه شب چهارده را کم میشود روشنائی او

إِذْ مَا اسْتَبَانَ ظُهُوْرُهُ

وقتیکه جلوه داد ظهور آنسرور

درود بفرستید بروی خدای مایان

مربوع قد کانه — والله اعظم شانه

میانه قد بوده است آنسرور — وخدای تعالی بزرگ کرده است شان آنسرور

صلی علیه الهنا

درود بفرستید بروی خدای مایان

لکن یطاول جاره — وهو المفیض بحاره

لیکن درازی نمود نداز همسایه آنسرور — وآنسرور بخشش کننده است دریای احسان او

صلی علیه الهنا

درود بفرستید بروی خدای مایان

اذ ما یماشیه احد — قد کان یعلیه الصمد

وقتیکه همراهی میکرد آنسرور هیچ یکی — تحقیق بود که بلند میگرداند اورا خدائیکه همه محتاج اند بوی

صلی علیه الهنا

درود بفرستید بروی خدای مایان

والعظم کان لهامته — والحسن کان لقامته

وعظمت وبزرگی بود تارک اورا — وخوبی تمام بود مرقامت ذی استقامت اورا

درود بفرستد بروے خدای مایان

كالليل سود شعره	فاضل العجائب بحره
مانند شب سیاه بود موے مبارک او	ریختہ است عجائب را دریای سینہ و دل آنحضور

صلى عليه المنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

شعر الحبيب تكثر	رجلا ما يليها في الورا
موے مبارک محبوب خدا بسیار بود	آن موی مبارک خمدار و نمکین در تمام خلق

صلى عليه المنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

شعر مشيط لا قطط	سود ودود لا سبط
موی مبارک شانہ کردہ است نہ مرغول	موی مبارک سیاہ است و محبوب نیست راست

صلى عليه المنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

اذ ما يوفر جمته	ليست تجاوز شحمته
وقتیکہ وفرہ میکرد موی مبارک خود را آنحضور	نیست موی مبارک کہ تجاوز کند از نرمہ گوش مبارک او

درود بفرستد بروی خدای مایان

قد كان أزهر لونه — وهو المبارك كونه

تحقیق بود تابان رنگ مبارک آنسرور — که آنسرور تمام خیر و برکت ست وجود مبارک او

صلى عليه المنّا

درود بفرستد بروی خدای مایان

عظمت رؤس عظامه — كبرت وجوه مرامه

بزرگ بود سرهای استخوان مبارک آنسرور — بزرگ بود رویهای مطلوب آنسرور

صلى عليه المنّا

درود بفرستد بروی خدای مایان

كالخط تجري شعره — أعلى حدوده نحره

مانند خط مستقیم روان بود موی مبارک او — بالاتر جاینهای آن خط منحره آنسرور بود

صلى عليه المنّا

درود بفرستد بروی خدای مایان

أسفل حدوده سرّه — للناظرين مسرّة

فروترین حدود ناف مبارک او بود — برای بینندگان مسرت ست

درود بفرستید بروی خدای مایان

المَنکِبَانِ وَصَدرُہٗ	عُرِضَت وَرُفِعَت قَدرُہٗ
دوش مبارک و سینه مبارک آنحضرت	پهنه وار بود و بلند کرده شد مرتبه آن

صَلّٰی عَلَیہِ اِلٰھُنَا

درود بفرستید بروی خدای مایان

بِالشَّعرِ زُیِّنَ صَدرُہٗ	لَا کُلُّہٗ بَل صَدرُہٗ
بموی زینت کرده شد سینه آنسرور	نه تمام سینه مبارک بلکه پیش و میانه آن

صَلّٰی عَلَیہِ اِلٰھُنَا

درود بفرستید بروی خدای مایان

اَیضًا ذِرَاعَاہُ بِہٖ	وَالمَنکِبَانِ بِسِرِّبِہٖ
نیز زینت داده شده است هر دو بازوی مبارک آنسرور بان مو	و زینت داده شده است هر دو دوش مبارک آنسرور بان موی او

صَلّٰی عَلَیہِ اِلٰھُنَا

درود بفرستید بروی خدای مایان

عَینَاہُ صَادُ قُلُوبِنَا	اَللَّحظُ صَارَ طَلُوبِنَا
دو چشم مبارک آنسرور شکار کننده است دلهای ما را	نگاه کردن بگوشه چشم گشته است مطلوب ما

درود بفرستند بروی خدای مایان

كمل السواد سوادها	الحاسدين حسادها
کامل ست سیاهی یعنی سیاهی آن چشمان	در حاسدان را کامل ست حسد آنها

صلى عليه المنان

درود بفرستند بروی خدای مایان

العين عين في النظر	بل كان عينا ذا القدر
چشم مبارک آنسرور چشمه ایست در دیدن	بلکه بود آن چشم ایے خداوند مرتبه

صلى عليه المنان

درود بفرستند بروی خدای مایان

عين مضي مرتفع	عين ملي مشتفع
چشمے بود گزرنده بلند	چشمے بود پر حسن در جمال بجفت یکدیگر یعنی یکسان

صلى عليه المنان

درود بفرستند بروی خدای مایان

العين تنفع في الثرى	عيناه حسنا للورى
چشمه آب نافع ست در زمین	هر دو چشم مبارک او خوبی داده است خلق را

درود بفرستد بروی خدای ما یان

العين تنفع في الثمر | عيناه محيي ذا النظر

چشمه آب نافع است در میوه | دو چشم مبارک او زنده میکند خداوند نظر را

صلى عليه الهنا

درود بفرستد بروی خدای ما یان

أيضا بياضه قد كمل | والحسن فيه مشتمل

نیز سفیدی چشم مبارک او تحقیق کامل بی نقصان است | و خوبی در آن چشم مبارک فراگیرنده است

صلى عليه الهنا

درود بفرستد بروی خدای ما یان

قد شاع فيها حمرة | للناظرين مسرة

تحقیق پراگنده بود در بیاض چشم مبارک سرخی | مر نظر کنندگان را خوشی بود

صلى عليه الهنا

درود بفرستد بروی خدای ما یان

للجود وسع كفه | عن كل بخل كفه

برای بخشش فراخ کرده شده است کف دست مبارک او | از هر بخیلی باز داشته است او را

درود بفرستد بروی خدای مایان

قدماه ایضا وسعا | فی العرش لیلا رفعا

هر دو قدم مبارک آنحضرت نیز فراخ کرده شده اند | در عرش در شب معراج بلند کرده شده اند

صلی علیه الهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

من تحت کانت رفعة | ولعین ذاته رفعة

از ته قدم مبارک بود بلندی | و برای ذات مبارک آنحضرت بلندی بود

صلی علیه الهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

ان کان یمشی یبتدر | فکانّ صببا یحدر

اگر راه میرفت آنسرور در شتابی میرفت | پس گویا که در نشیب فرود می آید

صلی علیه الهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

قد کان ابیض مشربا | ولعاشقیه مطربا

تحقیق بود آنسرور سفید رنگ آمیخته بسرخی | و مر عاشقان خود را خوشی دهنده بود

درود بفرستد بروی خدای مایان

بالوسع كان جبينه
بفراخی بود پیشانی مبارک آن سرور

في العشق كان جنينه
در عشق خدای تعالی بود دل آن سرور

صلى عليه الهنا
درود بفرستد بروی خدای مایان

كالقوس كان حواجبه
مانند کمان در کجی و درازی بود ابروهای مبارک او

قد كان يفرح خاطبه
بتحقیق خوش می شد کلام کننده با او

صلى عليه الهنا
درود بفرستد بروی خدای مایان

كانت سوابغ تنفصل
بودند آن دو ابرو تمام جدا از هم

ليست تقارن تتصل
نیستند آن دو ابرو مقارن متصل

صلى عليه الهنا
درود بفرستد بروی خدای مایان

عرق تبارك شانه
رگی که بزرگ ست مرتبه او

في البين كان مكانه
درمیان دو ابرو بود جای آن رگ

درود بفرستد بروی خدای مایان

کانت تدل بغیظه — لا فی ملامة قیظه

بود آن رگ که درخشم می آمد در حالت خشم آنسرور — نه در حالت نمکینی بخشش آنسرور

صلی علیه الهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

والانف حسنت ذاتها — اقنی اشم صفاتها

وبینی مبارک آنسرور نیک بود ذات آن بینی — دراز باریک بلند هموار با خوبی ست صفات آن بینی

صلی علیه الهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

عرنینها قد ارتفع — والسمع مثله ما سمع

دیوار آن بینی مبارک تحقیق بلند بود — وگوش مبارک آنسرور مثل آن گوش نشنیده شده

صلی علیه الهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

یعلوه نور بالیقین — تسبی قلوب العاشقین

بلند میشد آن بینی را نور به تحقیق — البته بند وقید میکرد آن بینی دلهای عاشقان را

درود بفرستد بروی خدای مایان

قد فاق لحیته اللحی — الوانها نور الدجی

تحقیق بلند بود ریش مبارک آنسرور بر همه ریشها — رنگهایش روشنی تاریکهاست

صلی علیه الٰهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

کث المحاسن نعمة — ولکل نفس رحمة

انبوهی ریش مبارک نعمت عظیم — و برای هر کس ریش مبارک آنسرور رحمتست

صلی علیه الٰهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

قد کان خداه السما — والنور بهما قد نزل

تحقیق بود هر دو رخساره آنسرور نرم — در روشنی بآن هر دو رخساره تحقیق فرود آمد

صلی علیه الٰهنا

درود بفرستد بروی خدای مایان

کمل المحاسن فی فمه — ملأ الوری بمکارمه

تمام بود خوبیها در دهان مبارک آنسرور — پر کرده است خلق را به بخششهای خود

درود بفرستد بر وی خدای مایان

وَفِيهِ كَانَتْ وُسْعَةٌ فِي كُلِّ لَفْظِهِ نِعْمَةٌ

در دهان مبارک آنسرور فراخی بود — در هر سخن آن دهان نعمتی ست عظیم

صَلَّى عَلَيْهِ إِلٰهُنَا

درود بفرستد بر وی خدای مایان

اَسْنَانُهُ قَدِ انْفَرَجْ وَالنُّورُ فِيهَا امْتَزَجْ

دندانهاے مبارک او تحقیق گشاده بودند — در روشنی آن دندانهاے مبارک آنسرور عالم آمیخته

صَلَّى عَلَيْهِ إِلٰهُنَا

درود بفرستد بر وی خدای مایان

فَاقَ الْخَلَائِقَ جِيدُهُ فِي الْحُسْنِ كَانَ مَزِيدُهُ

بلند بود گردن آنسرور از گردنهاے خلق — در خوبی بود زیاده آن گردن مبارک

صَلَّى عَلَيْهِ إِلٰهُنَا

درود بفرستد بر وی خدای مایان

كَانَتْ صَفَاءً كَفِضَّةٍ فِيهَا قَلَائِدُ عِزَّةٍ

بود گردن مبارک صافی مانند صفائی نقره — بود دران گردن مبارک قلادهای عزت

صلی علیہ الہنا

درود بفرستد بروی خدای ما یان

وھو العلیم بیانہ	اللہ یعلم شانہ
و او تعالے دانا است بیان آنسرور	خدا میداند شان آنسرور

صلی علیہ الہنا

درود بفرستد بروی خدای ما یان

بالفضل دم جرمہ	یا رب صحح سقمہ
و بفضل خود از بیخ برکن گناہان او را	اے پروردگار من صحیح کن بیماری او

تتمہ

سراپا حمد و ثنا نثار بارگاہ جل و علے و درود نامحدود بحضور
حبیب خدا و آلہ المجتبے و اصحابہ الہدے اما بعد عاشقان حلیہ
احمدی و شیفتگان سراپائے محمدی را نوید جانفزا و نشید
راحت افزا کہ حلیہ شریف سرور دو جہان باعث ایجاد
عالم و عالمیان مصنفۂ امیر المومنین علی ابن ابی طالب بماہ
ذیقعدہ سنہ ۱۳۰۵ ہجری حلیہ طبع پوشید